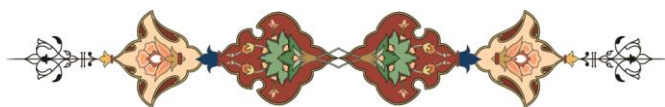


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ
أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ



رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤٠﴾

پروردگارا، مرا برپا کننده نماز قرار ده و از فرزندانم (نیز چنین فرما)

پروردگارا، دعای مرا بپذیر (و به درجه اجابت برسان). (ابراهیم/۴۰)

تقدیم به:

مولود کعبه و اولین شهید محراب

امیر مؤمنان، حضرت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ

و شهید ای محراب انقلاب اسلامی ایران

* * * *

استفاده و تکثیر این نوشته، برای تمامی مؤسسات آموزشی آزاد است،
مشروط به این که فروش آن به قیمت تمام شده باشد.

قم - شیخ علی حبیبی - شماره همراه ۰۹۱۲۲۵۳۲۹۶۹

تَجْوِيدُ الصَّلَاةِ مُصَوَّرٌ

«آموزش قرائت صحیح قرآن و نماز»

فشرده و گویا برای همه

قابل استفاده به صورت پرده نگار (پاورپوینت)

تهیه و تنظیم: شیخ علی حبیبی

تجوید الصّلاة مُصَوَّر (آموزش قرائت صحیح قرآن و نماز)

تألیف: شیخ علی حبیبی

ناشر: مؤلف

چاپ: اول، بهار ۱۳۹۵

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

چاپ: اول

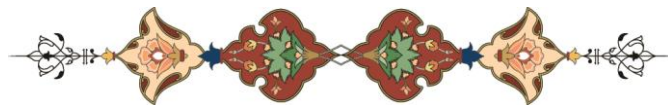
قطع: جیبی، ۸۰ صفحه مصور (رنگی)

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

﴿ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا ﴾

همانا نماز، به عنوان فریضه‌ای واجب، در اوقات مختلف

شبانه‌روز، بر مؤمنان قرار داده شده است. (نساء/ ۱۰۳)



نماز یکی از واجباتِ ضروریِ دین اسلام می‌باشد و بر هر زن و مرد مسلمانانی که به سن تکلیف می‌رسند، واجب است در هر شبانه‌روز، هفده رکعت (در پنج وقتِ مُعین) نماز بگذارند.

اهمیت و جایگاه نماز در اسلام

در اهمیت «نماز» همین بس که پیامبر گرامی اسلام ﷺ آن را «پایه و اساس دین اسلام» قرار داده «إِنَّ عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ» و فرموده‌اند: «اولین عملی که (در روز قیامت) مورد محاسبه قرار می‌گیرد، نماز است، اگر (صحیح و) مورد قبول واقع شود، سایر اعمال نیز مورد قبول قرار می‌گیرد و اگر بازگردانده شود (و مورد قبول واقع نشود)، سایر اعمال نیز بازگردانده خواهد شد (و مورد قبول قرار نخواهد گرفت)»^۱.

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳ و ۲۲، حدیث ۱۰۱۳.

لزوم یادگیری و قرائت نماز به زبان عربی

«قرائت حمد و سوره و سایر اجزای نماز، باید به صورت عربی صحیح ادا شوند و افرادی که قرائتشان صحیح نمی‌باشد، بر آنها واجب است که قرائت صحیح را یاد بگیرند.»

«هنگام قرائت نماز باید حروف از مخارجشان ادا گردند (و از یکدیگر تمیز داده شوند) در غیر این صورت، نماز باطل است.»

براساس فتوای همه مراجع بزرگوار تقلید، بر همه مسلمانان واجب است که نماز را به زبان عربی صحیح بخوانند و اگر در تلفظ کلمات نماز، مشکلی دارند، شرعاً بر آنها واجب است که به اصلاح قرائت خود پردازند.^۱

۱. عروة الوثقی، کتاب الصلاة، مسأله ۳۲ و ۳۷؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۹، ص ۳۹۸.

همه فقهاء و مفسرین (شیعه و سنی) اتفاق نظر دارند که این آیه شریفه، دلالت بر وجوب قرائت قرآن در نمازهای روزانه دارد. امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام: «علت وجوب قرائت قرآن در نماز» را این گونه می فرماید: «برای این که قرآن، مهجور و ضایع نگردد و باید حفظ و به صورت درس درس خوانده شود و نابود و فراموش نگردد». (من لایحضره الفقیه / ۱ / ۲۰۳)

«قرآن»، قانون اساسی و کتاب زندگی مسلمانان است، از این رو بر هر مکلفی واجب است برای آگاهی بر اصول و فروع دین و همچنین حفظ قرآن و رساندن آن به نسل های آینده به تلاوت قرآن در نمازهای روزانه پردازد.

۱. مُزْمِل / ۲۰؛ (پس آنچه برای شما آسان و امکان پذیر است از قرآن بخوانید).

شیوه قرائت قرآن کریم

یکی از اذکار واجب نماز «**قرائت حمد و سوره**» می باشد و این قرائت باید به صورت «**ترتیل**» باشد ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾. (مزمّل / ۲۰)

گویاترین تفسیر از معنای «**ترتیل**» در فرمایش امیرمؤمنان حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام آمده است: «**الترتیل حفظ الوقوف و بیان الحروف**»^۱

علمای قرائت برای تحقق فرمایش آن حضرت، برای بیان الحروف «**علم تجوید**» و حفظ الوقوف «**علم وقف و ابتدا**» را وضع نمودند.

سعی ما «**بررسی و آموزش قواعد تجوید و وقف و ابتدا در قرائت قرآن و نماز**»، براساس فتوای مراجع بزرگوار تقلید می باشد.

۱. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۵ و بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۳۲۳، «اداء الحروف» نقل شده است.

تعریف تجوید

«تجوید»، در لغت: «تحسین و نیکوسازی»؛ و در اصطلاح قرائت:

«إِخْرَاجُ كُلِّ حَرْفٍ مِنْ مَخْرَجِهِ مَعَ إِعْطَائِهِ حَقَّهُ وَ مُسْتَحَقَّهُ»

تلفظ هر حرفی است از مخرج آن، با در نظر گرفتن و رعایت

حَقِّ حَرْفٍ (صفات ذاتی و مُمَيِّزَه که لازمهٔ حرف است و باعث

تمیز دادن حروف از یکدیگر می‌شوند) و **مُسْتَحَقِّ حَرْفٍ** (صفات

عارضی و مُحْسِنَه که بر اثر ترکیب حروف، عارض می‌شود و باعث

روان و فصیح ادا شدن کلمات و آیات قرآن کریم می‌گردند).

موضوع تجوید: «صحيح خوانی قرآن کریم از نظر مخارج و صفات می‌باشد».

حکم شرعی رعایت قواعد تجوید

همه فقهای شیعه و مراجع بزرگوار تقلید، در این مسأله اتفاق نظر دارند: «ادای حروف از مخارج آنها به طوری که در عرف عرب، آن را ادای آن حرف بدانند نه حرف دیگر، و همچنین رعایت صفاتی که در طبیعت حروف نهفته است و باعث تمیز دادن یکدیگر می‌شوند، بر همه افراد واجب است»^۱. که شامل تلفظ حرف از مخرج آن، همراه با صفات ذاتی و مُمیّزه است (که در طبیعت حروف نهفته و باعث تمیز دادن حروف از یکدیگر می‌شوند)؛ اما رعایت صفات عارضی و مُحَسِّنَه (که هنگام ترکیب حروف، عارض می‌گردد و باعث روان و نیکو ادا شدن کلمات و آیات قرآن کریم می‌شود)، مستحب می‌باشد^۲.

۱ - ۲. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۹، ص ۳۹۸ و عروة الوثقی، کتاب الصلاة، احکام القراءة، مسأله ۳۷ و ۵۳.

قرائت قرآن با لحن عربی

﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴾ یوسف / ۲

«ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که (در آن) اندیشه کنید».

قرآن کریم به زبان عربی است و در روایات سفارش شده که

«قرآن را به صورت عربی آن فرا گرفته و با لحن عربی بخوانید و آن را با

صدای خود زینت دهید چرا که صوت نیکو بر زیبایی قرآن می افزاید».

عن رسول الله ﷺ: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ بِعَرَبِيَّتِهِ».

«أَقْرُوا الْقُرْآنَ بِالْحَانَ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا...».

«حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ، فَإِنَّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا»^۱.

۱. بحار الانوار، ۹۲، ص ۲۱۱، ح ۶ و اصول کافی، ۲، ص ۶۱۴، ح ۳ و وسائل الشیعه، ۴، ۸۵۹.

لحن عربی حرکات و حروف مدّی

در زبان عرب، به صدا‌های کوتاه (ـَ، ـِ، ـُ)، «حرکات» و به صدا‌های کشیده (ـِ، ـِ، ـِ، ـِ، ـِ، ـِ)، «حروف مدّی» می‌گویند. صدا‌های کشیده (حروف مدّی) در زبان عربی، همان صدا‌های کوتاه (حرکات) می‌باشند اما با دو برابر مدّ و کشش بیشتر. لحن عربی صدای فتحه، یاء و واو مدّی با فارسی یکسان است، تنها تفاوت مختصری در لحن عربی صدای کسره، ضمه و الف مدّی وجود دارد که به بررسی آنها می‌پردازیم.

لحن عربی کسره —

«صدای کسره عربی» متمایل به «حرف یاء» می باشد
(شبه صدای «ای» اما بدون کشش)، مانند صدای کسره
در کلمات «بیابان، خیابان، نیاز»؛ (ای بدون کشش اِ)
کلمات زیر را با لحن عربی بخوانید.

اِبِلٍ - مَلِكٍ - فِي دِينٍ - لَمْ يَلِدْ - بِسْمِ - فِيهِ
تَرْمِيهِمْ - لِرَبِّكَ - مِنَ الْجَنَّةِ - مِنْ شَرِّ - بِالَّذِينَ

لحن عربی ضمّه —

«صدای ضمّه عربی» متمایل به «حرف واو» می باشد.
(شبه صدای «او» اما بدون کشش)، مانند صدای ضمّه در
کلمات «خروس، هلو، بلوک»؛ (او بدون کشش ا)،
کلمات زیر را با لحن عربی بخوانید:

رَسُولٌ - قَلٌّ هُوَ - يَدْخُلُ - يَدْخُلُونَ
يَشْهَدُ - يَشْهَدُونَ - أَقْوَمٌ - كَفَوًا - مُسْتَقِيمٌ

صدای کشیدهٔ فتحه (الف مدّی) - ۱

«صدای کشیدهٔ فتحه» (الف مدّی)، همان «صدای فتحه است اما با دو برابر مدّ و کشش»؛ (تَ با دو برابر کشش صدای فتحه تَا).
نکتهٔ مهم: با توجه به سفارش قرآن که فرموده است: «قرآن را شمرده و با دقت بخوانید» (مُزَّمِّل/۴)، و روایاتی که: «شیوهٔ قرآن پیامبر را شمرده و با رعایت کشش حروف مدّی» بیان کرده‌اند (مجمع البیان، ۵، ۳۷۸)؛ بر ما لازم است که صداهای کشیده را با دو برابر مدّ و کشش ادا کنیم تا صداهای کشیده از صداهای کوتاه تمیز داده شوند.

صدای «الف مدّی» تابع حرف قبل می‌باشد که به بررسی آن می‌پردازیم.

لحن عربی صدای کشیدهٔ فتحه (الف مدّی)

هنگام تلفظ هفت حرف «خ، ص، ض، ط، ظ، غ، ق» و «راء مفتوح»، صدای آنها به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت «درشت و پرحجم» ادا می‌شوند، صدای الف مدّی بعد از آنها نیز به طرف کام بالا کشیده شده و درشت و پرحجم تلفظ می‌گردد؛ مانند:

خَالِدِينَ - صَادِقُ - ضَالِّينَ - طَافَ - ظَالِمٌ - غَاسِقٍ - قَامَتْ - رَاحِمٌ

اما هنگام تلفظ «بقیهٔ حروف»، صدای آنها به طرف کام پایین کشیده شده و به صورت «نازک و کم‌حجم» ادا می‌شوند، صدای الف مدّی بعد از آنها نیز به طرف کام پایین کشیده شده و نازک و کم‌حجم تلفظ می‌گردد؛ مانند:

ءَابَاءُ - مَالِكُ - رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا - وَ السَّمَاءِ وَ مَا بَنَاهَا - اَلْسَّلَامُ

تلفظ عربی لام جلاله «الله»

حرف «لام» در زبان عربی به صورت «نازک» خوانده می‌شود، در نتیجه «الف مدّی» بعد از آن نیز به صورت «نازک» خوانده می‌شود؛ مانند:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - مَلَأْنَاكَ - السَّلَامُ - بِسْمِ اللَّهِ - فِي دِينِ اللَّهِ

اما «لام» جلاله «الله» اگر «قبلش مفتوح و یا مضموم» باشد، به صورت «درشت و پرحجم» خوانده می‌شود و «الف مدّی» بعد از آن نیز «درشت و پرحجم» خوانده می‌شود، مانند:

اللَّهُ أَكْبَرُ - هُوَ اللَّهُ - اللَّهُمَّ - مِنَ اللَّهِ - نَارُ اللَّهِ

توجه به یک مسأله شرعی

شهید ثانی(ره) در شرح «رسالة نَفِيَّه» شهید اول(ره) می فرماید:

«مِلاک در صحت اذکار نماز، تلفظ کلمات است نه قصد گوینده»

در تکبیرة الاحرام «اللَّهُ أَكْبَرُ»، اگر فتحه همزه «اللَّهُ» با مدّ و کشش

«اللَّهُ» خوانده شود؛ و یا الف مدّی لام «اللَّهُ» آورده نشود «اللَّهُ»؛ و

یا فتحه باء «أكبر» با مدّ و کشش، «أكبار» خوانده شود، باعث

بطلان نماز خواهد شد (العروة الوثقی، فصل فی تکبیرة الاحرام).

«اللَّهُ أَكْبَرُ» جمله استفهامیه است، یعنی: «آیا خداوند بزرگتر است؟»؛ «اللَّهُ» به

معنای «ابزار جنگی» می باشد؛ «أكبار» جمع کُبر، به معنای «طبل» است.

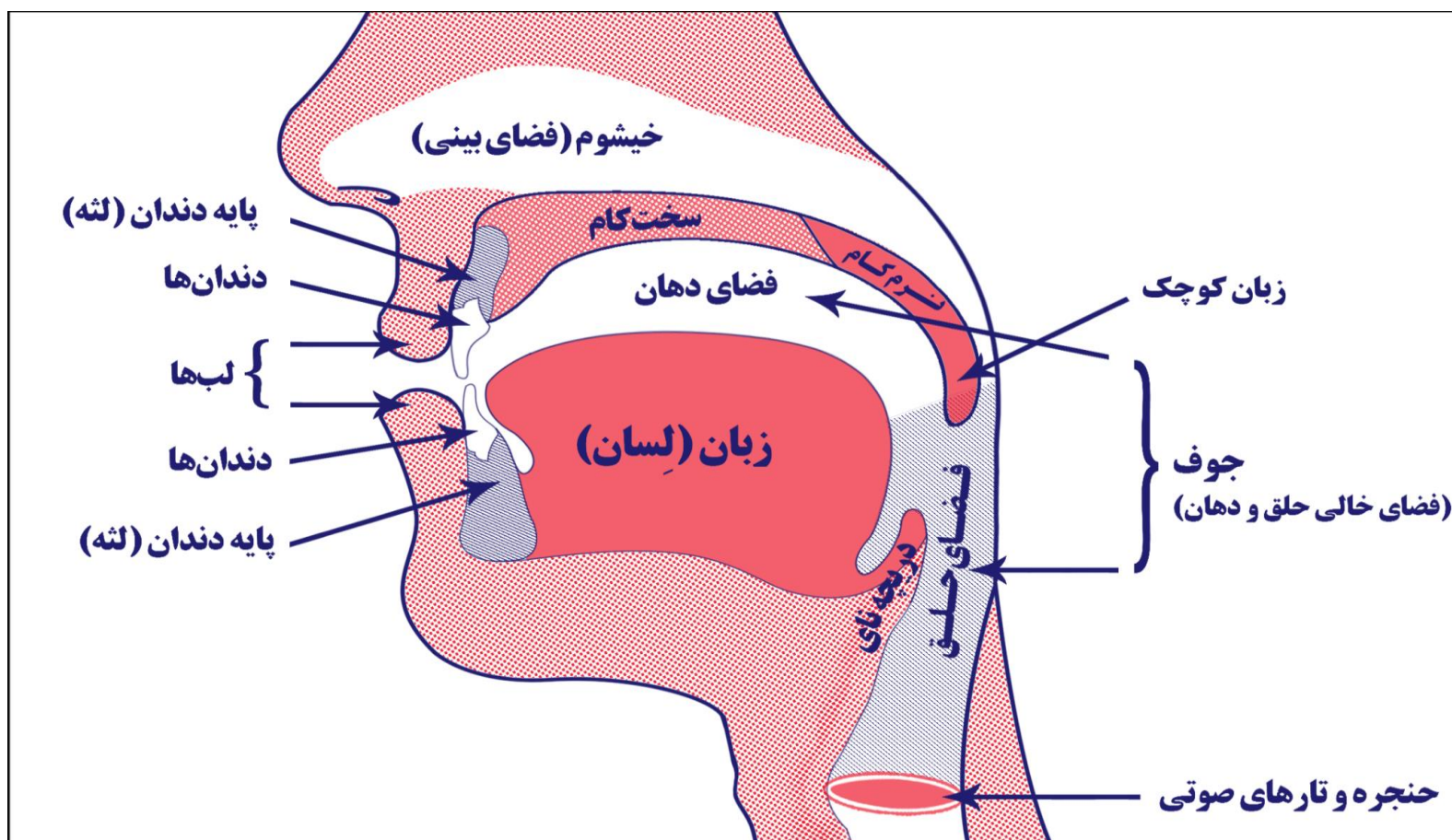
آشنایی با تلفظ صحیح حروف عربی

همانگونه که می‌دانید، بسیاری از حروف عربی به همان شکل فارسی تلفظ می‌شوند و نیازی به آموزش و تمرین ندارند، تنها ده حرف «**ث**، **ح**، **ذ**، **ص**، **ض**، **ط**، **ظ**، **ع**، **غ**، **و**» است که در عربی تلفظ آنها با فارسی تفاوت دارند، جهت یادگیری بهتر، نخست آنها را با حروف مشابه فارسی، مقایسه نموده و سپس به تمرین روی کلمات قرآن و اذکار نماز می‌پردازیم.

یادسپاری: در بعضی از مناطق ایران این تعداد حروف کمتر و یا بیشتر می‌باشد.

اعضای مهم دستگاه تکلم

یادگیری و رعایت تلفظ صحیح حروف، مبتنی بر شناخت مخارج آنها می‌باشد؛ از همین رو لازم است نخست با اعضای دستگاه تکلم آشنا شویم.

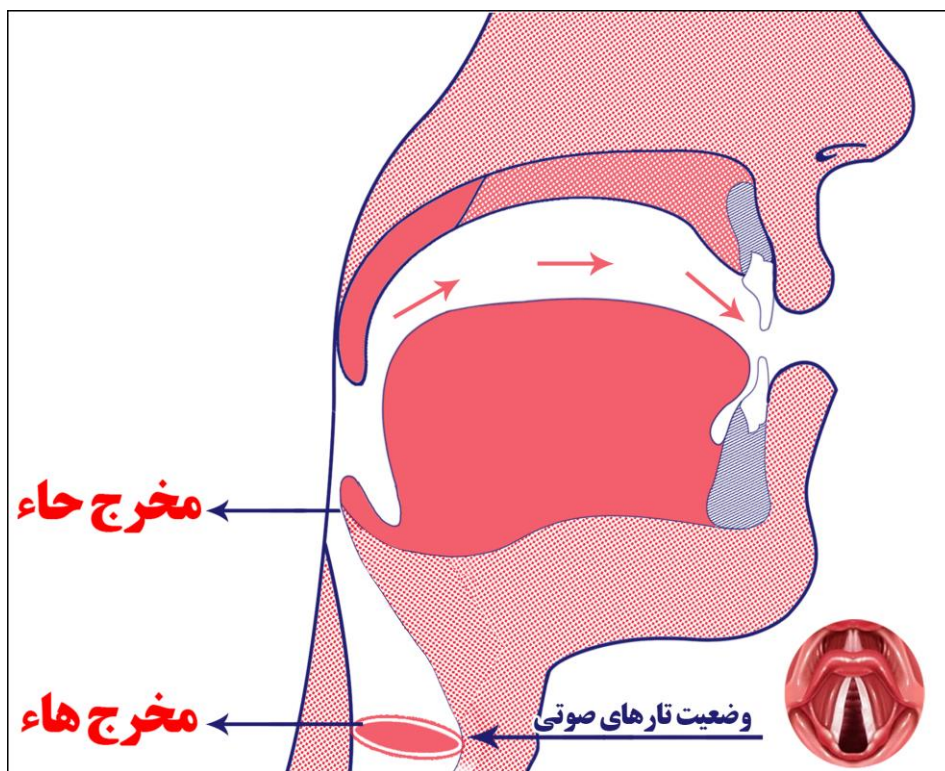


تفاوت حرف «حاء» از «هاء»

حرف «حاء»، در فارسی مانند حرف «هاء» از انتهای حلق و از محل حنجره تلفظ می‌شود، اما در عربی، از «وسط حلق و با حالت گرفتگی» ادا می‌گردد.

هنگام تلفظ «حاء»، «دریچه‌ی نای کمی به عقب کشیده شده و فضای حلق

را تنگ می‌سازد و بدون ارتعاش تارهای صوتی، صدای حرف به صورت نازک و کم‌حجم با حالت گرفتگی به دیواره‌های حلق کشیده می‌شود».



تمرین حرف «حاء»

الرَّحْمَنِ - رَحْمَةً - فَسَبِّحْ - فَلَاحُ - الْحَمْدُ - سُبْحَانَ
حَسَنَةً - مُحَمَّدًا - الرَّحِيمِ - أَحَدٌ - نُسَبِّحُ - بِحَمْدِكَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ
رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً
فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ - سُبْحَانَ اللَّهِ - الْحَمْدُ لِلَّهِ
نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ - أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

لزوم دقت در تلفظ هاء ساکن

قال الباقر عليه السلام: «إِذَا أَذَنْتَ فَافْصَحْ بِالْأَلْفِ وَالْهَاءِ». (وسائل، ۴، ۶۳۹).

«وقتی اذان می‌گویی، الف و هاء را فصیح (آشکار و روشن) ادا کن.»
مخرج «هاء»، «انتهای حلق و حالت مخفی بودن (خفاء) را دارد»، به
ویژه وقتی که ساکن باشد، در این صورت «لازم است با فشار مختصری
به انتهای حلق، حرف «هاء» را تقویت نمود تا شنیده شود»؛ مانند:

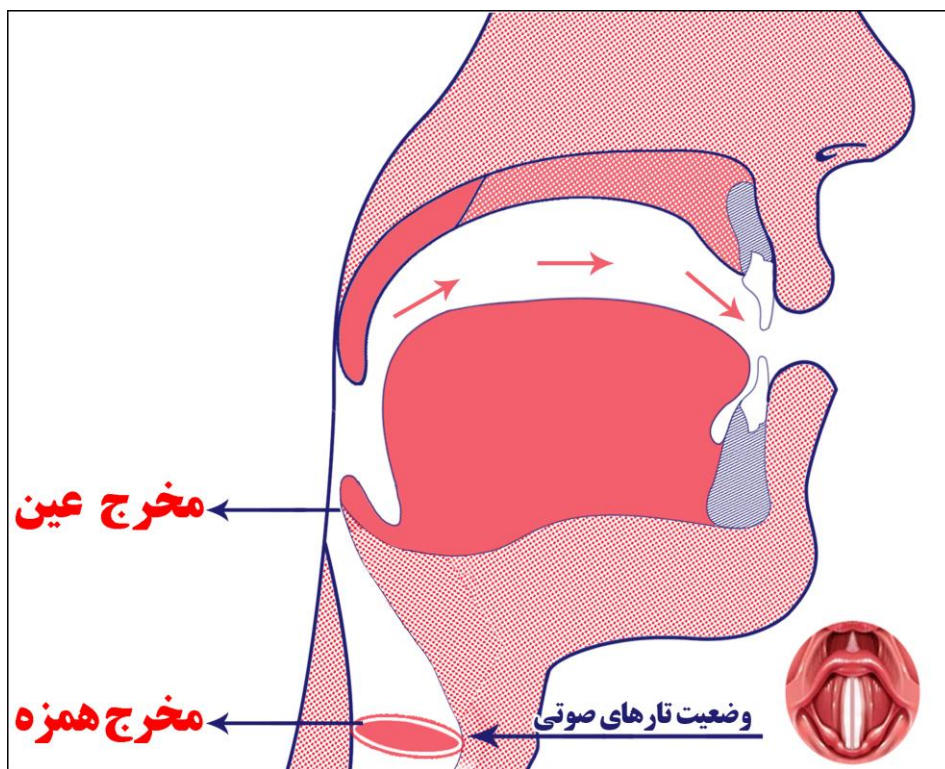
أَهْدِنَا - بِحَمْدِهِ - لِمَنْ حَمِدَهُ - رَسُولُهُ - لَا شَرِيكَ لَهُ - بَرَكَاتُهُ

و اگر بعد از الف مدّی، قرار گیرد، در تلفظ الف مدّی نیز باید دقت نمود؛

مانند: إِلَّا اللَّهُ - رَسُولُ اللَّهِ - قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ - الْحَمْدُ لِلَّهِ - سُبْحَانَ اللَّهِ

تفاوت حرف «عین» از «همزه (ء)»

حرف «عین»، در فارسی مانند حرف «همزه (ء)» از انتهای حلق و از محل حنجره تلفظ می‌شود، اما در عربی، از «وسط حلق» ادا می‌گردد، هنگام تلفظ «عین»، «دریچه نای به آرامی عقب کشیده شده و

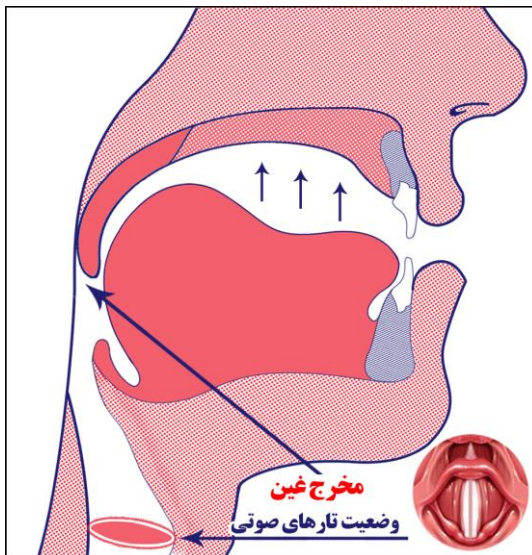
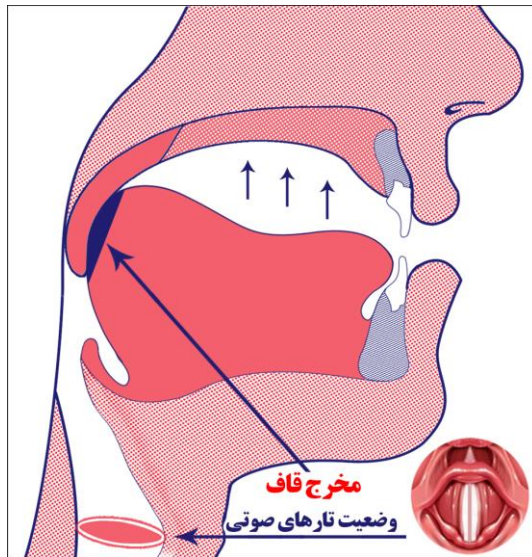


فضای حلق را تنگ می‌سازد و با ارتعاش تارهای صوتی، صدای حرف کمی نرم به صورت نازک و کم‌حجم به دیواره‌های حلق کشیده می‌شود.»

تمرین حرف «عین»

نَعْبُدُ - أَعْلَى - لَا أَعْبُدُ - مَا تَعْبُدُونَ - عَلِيًّا - عَلَى
عَالَمِينَ - عِبَادُ - نُسْتَعِينُ - أَقْعُدُ - عَلَيْهِمْ - عَبْدُهُ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نُسْتَعِينُ - حَىَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ
أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ - لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ
أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا حُجَّةُ اللَّهِ - سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ

تفاوت حروف «غین» و «قاف»



حرف «غین»، در فارسی مانند حرف «قاف» از اتصال ریشهٔ زبان با ابتدای زبان کوچک تلفظ می‌شود، اما در عربی، حرف «غین» از «ابتدای حلق»، (مرز میان حلق و دهان) ادا می‌گردد؛ هنگام تلفظ «غین»، «ریشهٔ زبان بالا رفته و به زبان کوچک نزدیک و با ارتعاش تارهای صوتی، صدای حرف به نرمی به ابتدای دیواره‌های حلق کشیده شده و به صورت درشت و پرحجم تولید می‌گردد».

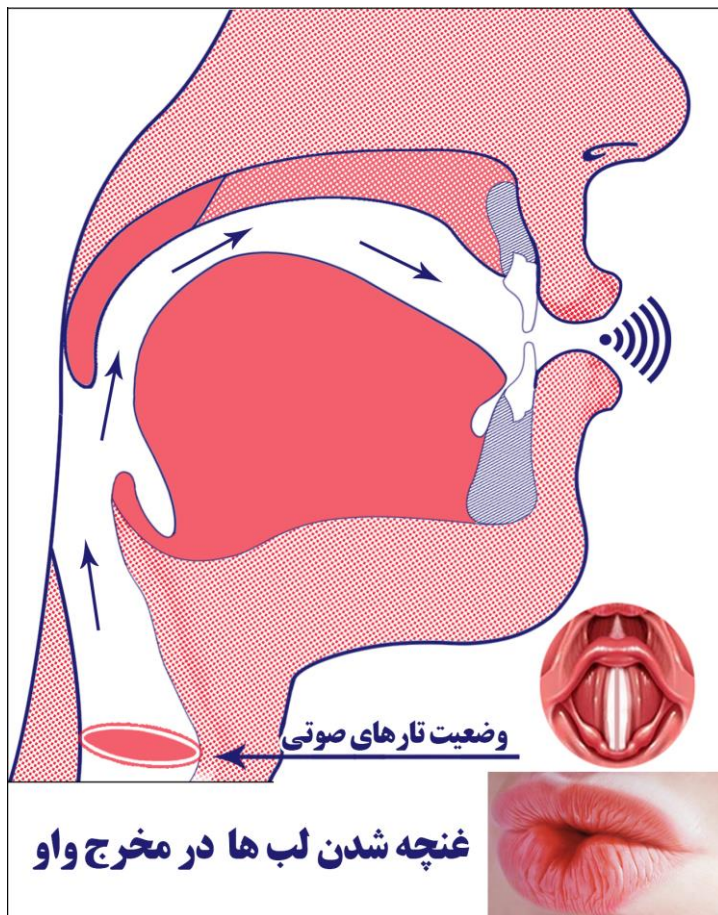
تمرین حرف «غین»

أَسْتَغْفِرُ - إِغْفِرُ - لَا يُغْنِي - أَغْنَى - فَاعْفِرْ
لَا تُزِعْ - وَاسْتَغْفِرْهُ - فَارْغَبْ - غَاسِقٍ - مُغِيرَاتِ
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ - اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي
لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ - مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ
رَبَّنَا ءَامِنًا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا - رَبَّنَا لَا تُزِعْ قُلُوبَنَا
فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ - إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ

تفاوت واو عربی با فارسی

حروف «واو»، در فارسی از تماس دندان‌های بالا با لب پایین تلفظ می‌شود، اما در عربی بدون دخالت دندان‌ها، «لب‌ها به

صورت گرد (مانند شکوفه، شبیه حالت صدای «او») در می‌آید و صدای حرف همراه با ارتعاش تارهای صوتی از میان لب‌ها به صورت نازک و کم‌حجم خارج می‌شود.»



تمرین حرف «واو»

يَوْمٍ - بِحَوْلٍ - وَقُوَّتِهِ - هُوَ - وَلَمْ يَكُنْ - يُوسُوسُ
كُفُورًا - وَحُدَّهُ - وَلِيُّ اللَّهِ - وَالْحَمْدُ - وَالِدَيْ - تَوَّابِينَ
مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ - أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ - وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَكُفُورًا أَحَدٌ
بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ - وَحُدَّهُ وَلَا شَرِيكَ لَهُ
سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ - وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

استفاده از نوار برای آموزش قرائت

بهترین راه برای آموزش و یادگیری قرائت صحیح، استفاده از نوارهای آموزشی قرائت قرآن کریم می‌باشد، برای این منظور، سوره کوتاهی را انتخاب و مراحل ذیل را به ترتیب انجام دهید.

- ۱- پخش آیات و گوش دادن همزمان با نگاه کردن به خط قرآن؛
- ۲- پخش دوباره همان آیات و خواندن همزمان با نوار با صدای آهسته؛
- ۳- پخش دوباره همان آیات و خواندن همزمان به صورت همخوانی با نوار؛
- ۴- همانند مرحله اول، به آیات پخش شده گوش می‌دهیم، در هنگام وقف، ایست نوار را می‌زنیم و مانند نوار می‌خوانیم، و سپس به این نحو ادامه می‌دهیم؛
- ۵- بر عکس مرحله چهارم، اول می‌خوانیم و سپس با نوار مقایسه می‌کنیم.

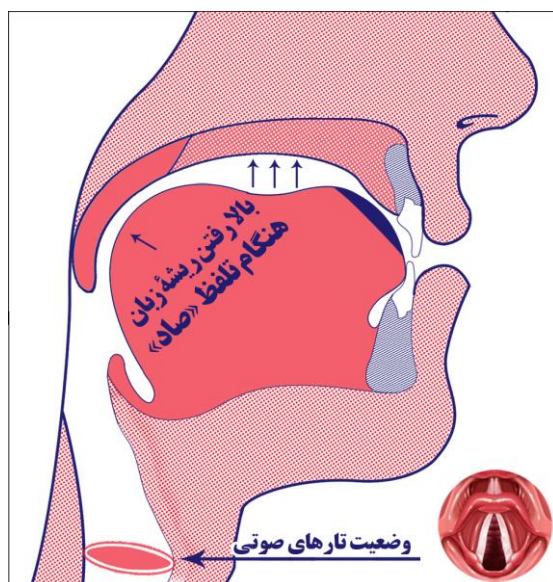
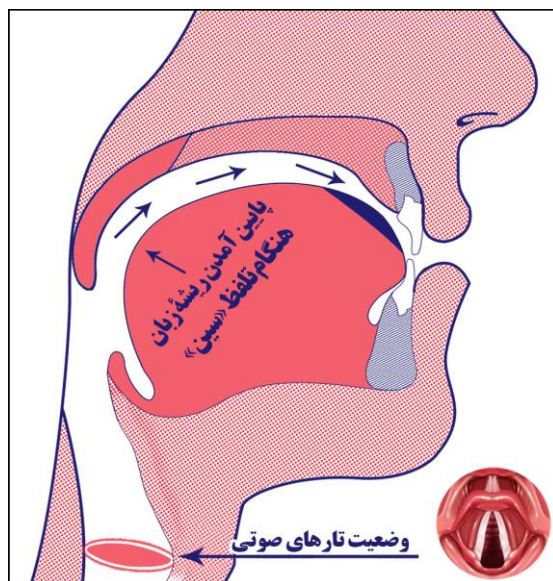
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ
يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

تفاوت حرف «صاد» از «سین»

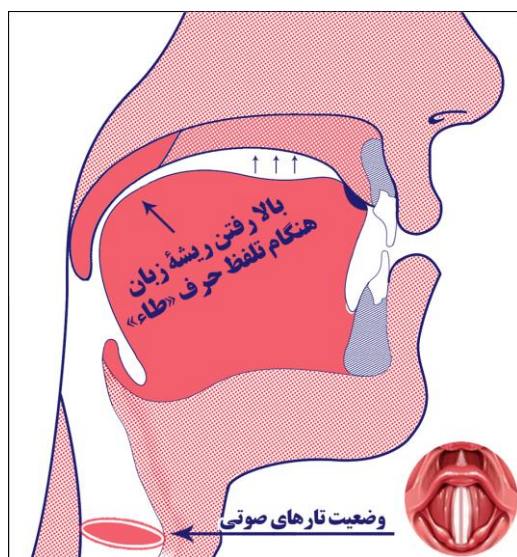
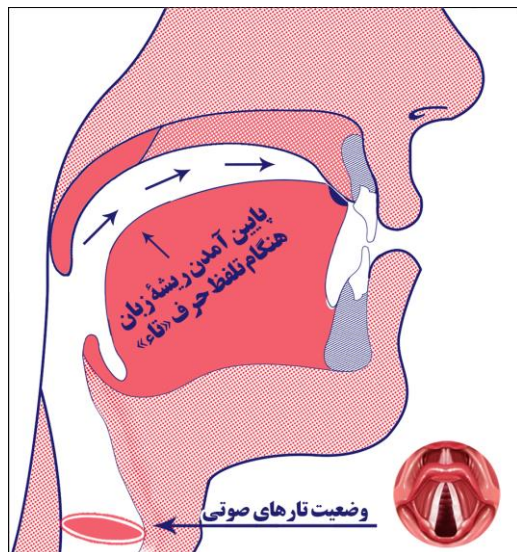


هنگام تلفظ دو حرف «صاد» و «سین»، بخش جلویی سطح زبان به سطح صاف پشت لثه تنایای بالا نزدیک شده و با سایش هوا از این شکاف و مجرای باریک و بدون ارتعاش تارهای صوتی تولید می‌شوند، با این تفاوت که در عربی، هنگام تلفظ «صاد»، «انتها و ریشهٔ زبان نیز بالا آمده و صدای حرف به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت درشت و پر حجم ادا می‌گردد».

تمرين حرف «صاد»

أَصْحَابٍ - وَالْعَصْرِ - صَمَدٌ - الصَّلَاةُ - الصَّالِحَاتِ - أَصَابَ
تَوَاصَوْا - بِالصَّبْرِ - صَلَّى - حُصِّلَ - فِي الصُّدُورِ - نَصُوحًا
الْمُتَرَكِّفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ - وَالْعَصْرِ
اللَّهُ الصَّمَدُ - حَى عَلَى الصَّلَاةِ - قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ - وَحُصِّلْ مَا فِي الصُّدُورِ

تفاوت حرف «طاء» از «تاء»

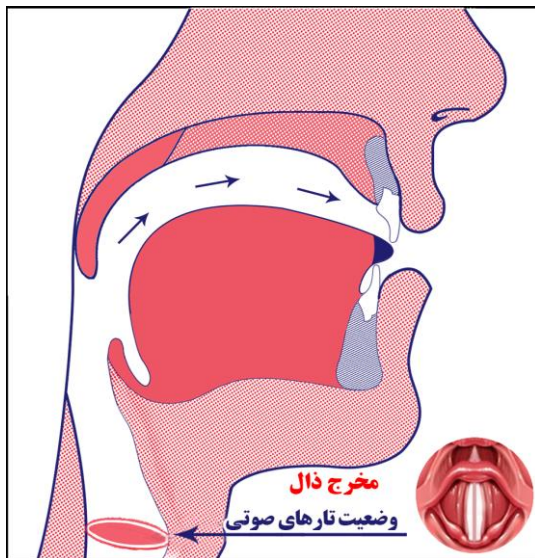
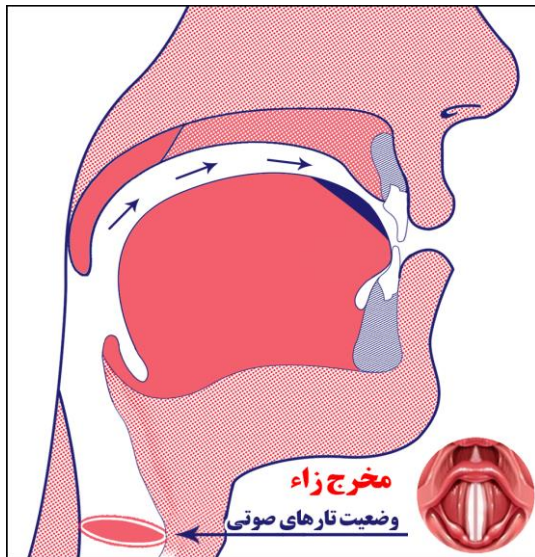


دو حرف «طاء» و «تاء» از اتصال بخش جلویی سطح زبان با ابتدای برآمدگی کام بالا و لثه دندان‌های ثنایا و جدا شدن از آن، به صورت انفجاری تولید می‌شوند، با این تفاوت که در عربی، هنگام تلفظ «طاء»، «انتها و ریشه زبان نیز بالا آمده و صدای حرف با ارتعاش تارهای صوتی به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت درشت و پرحجم تولید می‌گردد».

تمرین حرف «طاء»

مَطَّلِعُ - يُطْعِمُونَ - أَلطَّعَامَ - حَطَبٍ - عَطَاءً - وَالطُّارِقُ
أَطَاعَ - مَنْ يُطِيعُ - أَطِيعُوا - صِرَاطٌ - أَلْمُعْطِينَ - تَطَّلِعُ
سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَّلِعَ الْفَجْرَ - وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ
وَأَمْرَاتُهُ وَحَمَالَةَ الْحَطَبِ - جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا
أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ - مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ
إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ - يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَيَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ

تفاوت حرف «ذال» از «زاء»

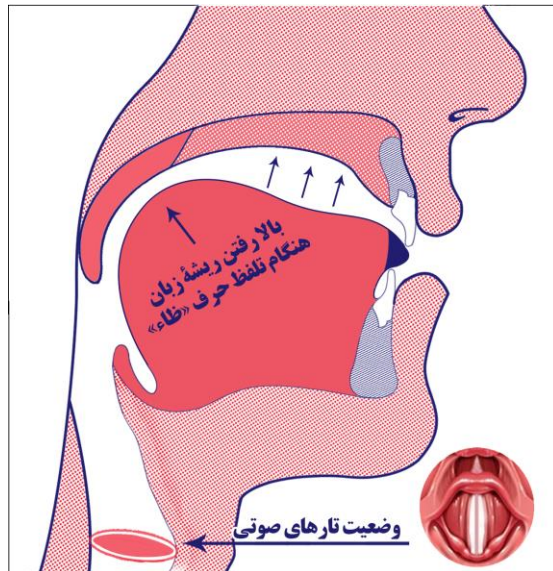
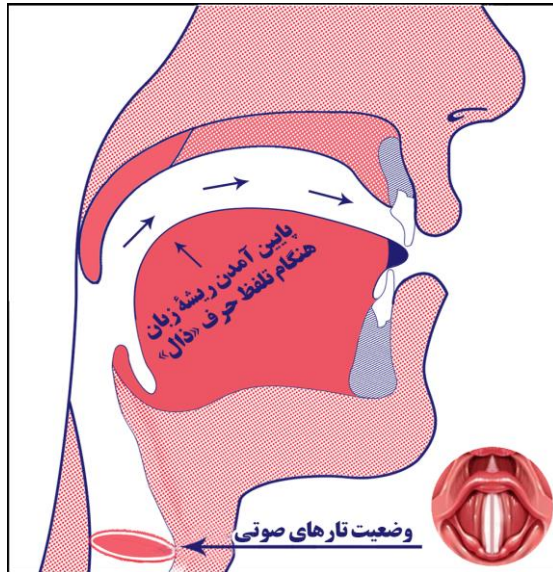


حرف «ذال»، در فارسی مانند حرف «زاء» از برخورد بخش مجاور نوک زبان به پشت لثه دندان‌های پایین تلفظ می‌شود، ولی در عربی حرف «ذال»، از «تماس سر زبان با سر دندان‌های ثنایای بالا و خروج هوا از میان آنها همراه با ارتعاش تارهای صوتی و با حالت سایشی، صدای حرف به طرف پایین کشیده شده و به صورت نازک و کم‌حجم تولید می‌گردد».

تمرین حرف «ذال»

أَذْهَبَ - أَذْكَرُوا - يُذْهِبَنَّ - ذَكَرَ - ذَلِكَ - ذَاكِرِينَ - عَذَابَ
ذِكْرِي - الَّذِي - الَّذِينَ - أَعُوذُ - يُكَذِّبُ - آذَنَ - مُؤَذِّنٌ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ - أَذْكَرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبَنَّ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ
أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ - أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ - أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ

تفاوت حرف «ظاء» از «زاء»



حرف «ظاء»، در فارسی مانند حرف «زاء» تلفظ می‌شود ولی در عربی همانند حرف «ذال» تلفظ می‌گردد با این تفاوت که در هنگام تلفظ «ظاء»، «انتها و ریشهٔ زبان نیز بالا آمده و صدای حرف به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت درشت و پرحجم تولید می‌گردد».

تمرین حرف «ظاء»

يُظَلِّمُ - ظَلَمْتُ - لَا تَظْلِمُونَ - ظَهَرَكَ - ظَالِمِينَ - نَاطِرَةٌ
عَظِيمٌ - لِحَافِظِينَ - حِفْظُهُمَا - مِنَ الظَّالِمِينَ - حَافِظُونَ - حَظٌّ
وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا - سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ
رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ - سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ
وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ - وَلَا يُوَدُّهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

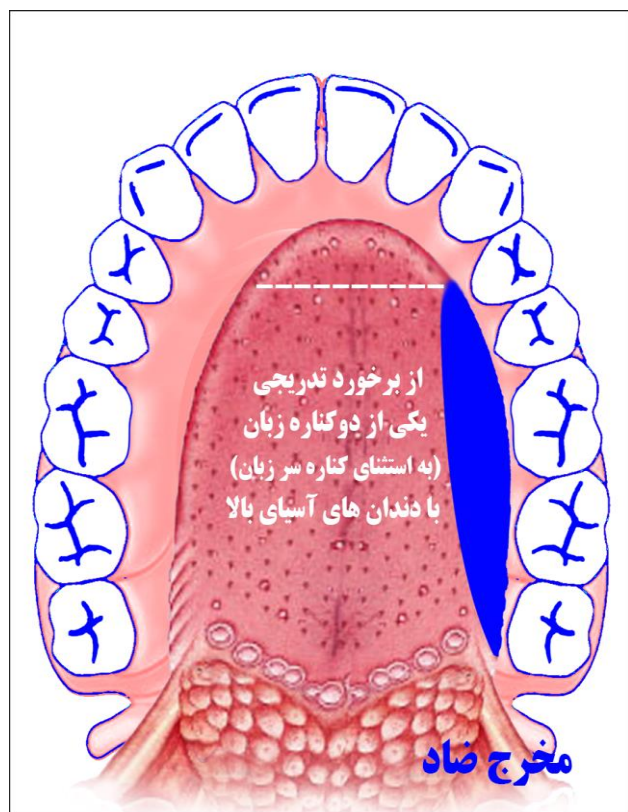
وَيَلِكُ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٌ ﴿١﴾ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ﴿٢﴾ يُحَسِبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ﴿٣﴾ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الحُطَمَةِ ﴿٤﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الحُطَمَةُ ﴿٥﴾ نَارُ اللَّهِ المُوقَدَةُ ﴿٦﴾ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الآفِئَةِ ﴿٧﴾ إِنَّهَا عَلَيْهِم مُّوَصَّدَةٌ ﴿٨﴾ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ﴿٩﴾

تفاوت حرف «ضاد» از «زاء»

حرف «ضاد»، در فارسی مانند حرف «زاء» تلفظ می‌شود ولی در عربی «از بالا آمدن انتها و ریشهٔ زبان و برخورد تدریجی یکی از دو کنارهٔ زبان (به استثنای سر زبان)

با دندان‌های آسیای بالای همان طرف و کشیده شدن صدای حرف از میان آنها به طرف کام بالا به صورت درشت و پر حجم ادا می‌گردد».

یادسپاری: تلفظ ضاد به صورت دال درشت، تلفظ عرب صدر اسلام نمی‌باشد و باعث بطلان نماز می‌شود.



تلفظ «ضاد» صحیح نزد فقهای شیعه

شهید اول (متوفای ۷۸۶ هـ) در «الْفِيَّه، ص ۵۸»: «تلفظ حرف از مخرج آن که به صورت متواتر نقل شده، واجب می‌داند و می‌فرماید: اگر «ضاد» از مخرج «ظاء» و یا به صورت «لام درشت» تلفظ شود، نماز باطل است».

صاحب مفتاح الکرامه (متوفای ۱۲۲۶ هـ) در «قواعد التجوید، ص ۵۱» و صاحب جواهر (متوفای ۱۲۶۶ هـ) در «جواهر، ۹، ۳۹۹»، «ضاد صحیح را ضاد حجازی» می‌دانند که از: «بین کنارهٔ زبان و دندان‌های آسیا تلفظ می‌شود» و تلفظ «ضاد مصری» که شبیه «دال درشت» است را «صحیح نمی‌دانند و باعث بطلان نماز می‌شود»؛ و برای صحت گفتار خود، چند دلیل آورده‌اند از جمله: «ضاد» اصعب الحروف است درحالی که «دال درشت» سختی ندارد.

تلفظ «ضاد» صحیح نزد علمای تجوید

علم مخارج حروف، مانند علم نحو، استقرائی و برگرفته از تلفظ عرب صدر اسلام (قبل از اختلاط با اقوام غیرعرب) می‌باشد و همه تصریح کرده‌اند:

«الضُّادُّ مِنْ بَيْنِ أَوَّلِ حَافَةِ اللِّسَانِ وَ مَا يَلِيهِ مِنَ الْأَضْرَاسِ»

و حرف «ضاد» را، «أَصْعَبُ الْحُرُوفِ»، دشوارترین حرف و تلفظ آن مشکل می‌دانند. و کم هستند افرادی که آن را نیکو تلفظ کنند، و تلفظ آن به صورت «دال درشت صحیح نمی‌باشد» و آن را تلفظ افرادی می‌دانند که اصالتاً عرب نمی‌باشند (و بر اثر غلبه قوم عرب بر آنها، عرب زبان شدند).

- ۱ - مکی بن ابی طالب (متوفای ۴۳۷ هـ)، الرعاية في تجويد القراءة؛ ۲ - ابو عمرو دانی (متوفای ۴۴۴ هـ)، التحديد في الانتقال و التجويد؛ ۳ - عبدالوهاب القُرطبي (متوفای ۴۶۱ هـ)، الموضح في التجويد؛ ۴ - ابن الجزري (متوفای ۸۳۳ هـ)، النشر في القراءات العشر؛ ۵ - محمود خليل الحصري (متوفای ۱۴۰۱ هـ) احكام قراءة القرآن الكريم و...

تمرین حرف «ضاد»

فَضْلًا - رِضْوَانًا - وَضَعْنَا - وَلَا الضَّالِّينَ - الضَّعِيفُ - مَغْضُوبٍ
رَضِيَ - رَضِيْتُ - مَرْضِيَّةٌ - رَاضِيَةٌ - بَعْضَكُمْ - رَضُوا - يَحْضُ
يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا - أَرْحَمُ عَبْدَكَ الضَّعِيفُ
غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ
وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ - وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ
أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً - رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا

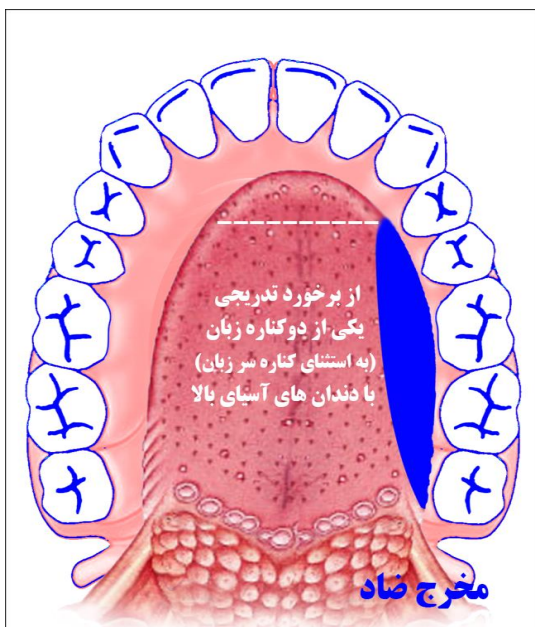
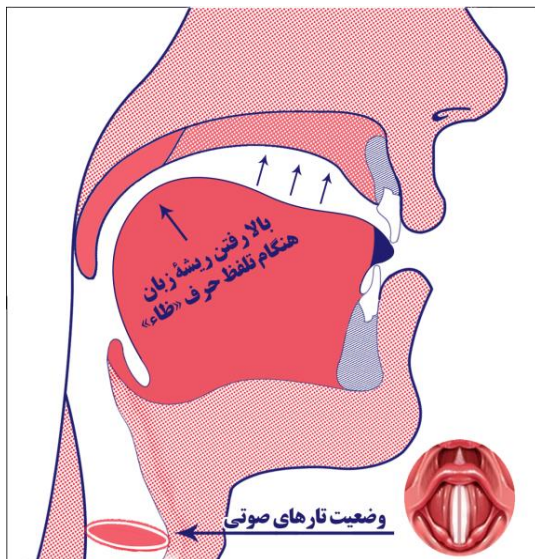
تفاوت حرف «ضاد» از «ظاء»

با توجه به شباهت دو حرف «ضاد» و «ظاء» در تلفظ، و فتوای مراجع بزرگوار تقلید که «اگر «ضاد»، به صورت «ظاء»، یا برعکس تلفظ گردد، نماز باطل است»،^۱ باید دقت نمود تا هر حرف از مخرج خود ادا شود و از یکدیگر تمیز داده شوند.

«حرف ظاء»، «از برخورد سر زبان با سر دندان‌های ثنایای بالا تولید می‌شود» ولی «حرف ضاد»، «از برخورد تدریجی یکی از دو کنارهٔ زبان با دندان‌های آسیای همان طرف و کشیده شدن صدای حرف از میان آنها تولید می‌گردد» و سر زبان در تولید آن نقشی ندارد.

۱. عروة الوثقی، کتاب الصلاة، فصل فی القراءة، مسأله ۳۲ و ۳۷.

تمرین حرف «ضاد» و «ظاء»



در هنگام تمرین دقت شود تا هر حرف از مخرج خود ادا گردد و از یکدیگر تمیز داده شوند.

«ضَلَّ - ظَلَّ» - «نَضْرَةٌ - نَظْرَةٌ»

أَنْقَضَ ظَهْرَكَ - ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ

مُغَاضِبًا فَظَنًّا - ظَلَمْتُ مَا فِي الْأَرْضِ

بَعْضَ الظَّالِمِينَ - فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ

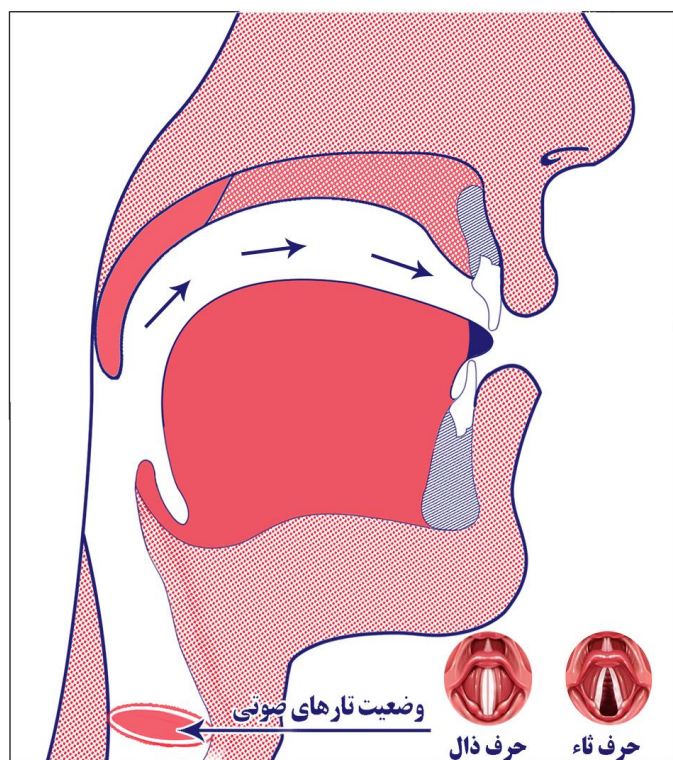
يَعُضُّ الظَّالِمُ - لَا تَنْظُمُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ

تفاوت حرف «ثاء» از «سین»

حرف «ثاء»، در فارسی مانند حرف «سین» تلفظ می‌شود ولی در عربی مانند حرف ذال «از تماس سر زبان با سر دندان‌های ثنایای بالا و خروج هوا از میان آنها و با حالت سایشی،

صدای حرف به طرف کام پایین کشیده شده و به صورت نازک و کم‌حجم تولید می‌گردد»، با این تفاوت که در تلفظ حرف «ثاء» برخلاف حرف ذال، «تارهای صوتی مرتعش نمی‌شود».



تمرین حرف «ثاء»

مَثْنِي - مَثْقَالَ - أَثْقَالَهَا - كَثُورَ - ثَقُلْتُ - ثَلَاثَةَ - ثَالِثُ
ثِيَابِكَ - بُعْثَرَ - كَثِيرًا - أَكْثَرُ - الثَّاقِبُ - ثَلَاثُ - مُدَّثِرٌ
إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ - إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ
فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ - وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا
ثَالِثُ ثَلَاثَةَ - وَثِيَابِكَ فَطَهَّرَ - إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ
أَلْهَكُمُ التَّكَاثُرُ - النَّجْمُ الثَّاقِبُ - مَثْنِي وَثَلَاثُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا
﴿٢﴾ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿٣﴾ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾
بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ﴿٥﴾ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا
لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ﴿٦﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا
يَرَهُ ﴿٧﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾

صفت قلقله

در تلفظ پنج حرف «قطب جد» در هنگام ساکن بودن باید دقت نمود که صدای حرف حتماً شنیده شود، برای این منظور، «پس از تلفظ حرف، باید صدای آن را آزاد و آشکار نمود» که به این حالت، «قلقله» می‌گویند؛ مانند:

أَبْتَرُ - أَدْرِيكَ - فَوْسَطُنَ - يَجْعَلُ - أَقْرَأُ

در قلقله آخر کلمات (هنگام وقف) باید دقت بیشتری نمود؛ مانند:

كَسَبٌ - أَحَدٌ - مُحِيطٌ - بُرُوجٌ - مَا خَلَقُ

وَتَبٌ - أَشَدُّ - لَا تُشِطُّ - فِي الْحَبِّ - بِالْحَقِّ

نکته: در هنگام قلقله، حرف هیچگونه حرکتی به خود نمی‌گیرد و صدای حرف به صورت ساکن رها می‌شود.

مدّ فرعی و عارضی

«مدّ» در لغت: «زیادت، افزونی و کشش»؛ و در اصطلاح قرائت:

«کشش صوت بیش از مقدار طبیعی در حروف مدّی».

«حروف مدّی» به طور طبیعی باعث دو برابر مدّ و کشش صدای حرکات

می‌شوند، از این رو به آنها «مدّ طبیعی، ذاتی و اصلی» گفته می‌شود.

هرگاه «بعد از حروف مدّی، سبب مدّ (همزه یا سکون) بیاید»،

در این صورت «حروف مدّی بیش از مقدار طبیعی کشیده می‌شوند»،

از این رو به آنها «مدّ غیرطبیعی، عارضی و فرعی» گفته می‌شود.

«مدّ فرعی»، تقسیماتی دارد که به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

مدّ فرعی در روایات اسلامی

۱- ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می کند: آن حضرت (به مناسبتی) در تلاوت سوره حمد، وقتی به **﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾** رسیدند، فرمودند: **«مَدَّ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَوْتَهُ ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾»**؛ یعنی:

«رسول خدا، الف مدّی ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾ را با مدّ و کشش بیشتری می خواندند».^۱

۲- ابن الجزری از ابی مسعود در قرائت آیه **﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ﴾** از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می کند که آن حضرت

«الف مدّی ﴿لِلْفُقَرَاءِ﴾ را به مدّ خوانده است، پس شما هم آن را مدّ بدهید».^۲

۱. فروع کافی، ج ۶، ص ۲۲۳.

۲. النشر فی القراءات العشر، ج ۱، ص ۳۱۵.

مدّ فرعی در فتوای مراجع تقلید

فتوای مراجع تقلید در رابطه با مدّ فرعی، مختلف و به شرح ذیل می‌باشد:^۱

- ۱- بهتر آن است که با مدّ خوانده شود؛
 - ۲- «مدّ متصل و لازم» واجب است؛
 - ۳- «مدّ متصل»، احتیاط مستحب و «مدّ لازم» واجب است؛
 - ۴- «مدّ متصل و لازم» باید مدّ داده شوند و اگر مدّ ندهند، احتیاطاً نماز را تمام کنند و دوباره بخوانند.
- هر کس باید به فتوای مرجع تقلید خود (در مسأله قرائت نماز) مراجعه کند. علت مدّ را اضافه بر روایات، علمای ادبیات عرب و تجوید: **سهولت تلفظ در همزه و رفع التقای ساکنین در حرف ساکن بیان کرده‌اند.**

۱. توضیح المسائل مطابق با فتوای سیزده نفر از مراجع تقلید، مسأله ۱۰۰۳.

۱ - مدّ متصل = مدّ واجب

مدّ متصل ← حرف مدّ و همزه در یک کلمه می باشد؛ مانند:

يَشَاءُ - سَيِّئٌ - سُوءٌ - مَلَأَتْكَ - تَفِيءٌ - تَشَاءُونَ

مقدار کشش ← ۴ یا ۵ (و در هنگام وقف) ۶ حرکت می باشد.

به مدّ متصل، «مدّ واجب» نیز می گویند، چون همه علمای

قرائت و تجوید، در مدّ و کشش اضافی آن، اتفاق نظر دارند.

یادسپاری: مراد از واجب، «وجوب صناعی» می باشد؛ یعنی: نزد علمای

فَنّ تجوید، واجب است، اما «وجوب شرعی» را باید به فتوای مرجع تقلید،

مراجعه کرد.

۲- مدّ منفصل = مدّ جایز

مدّ منفصل ← حرف مدّ در آخر کلمه و همزه در ابتدای کلمه

بعدی می باشد؛ مانند:

رَبَّنَا إِنَّكَ - وَرُسُلِي - إِنَّ - قَالُوا إِنَّنا - إِنَّا أَنْزَلْنَا - فِي أَهْلِ - قُوا أَنْفُسَكُمْ

مقدار کشش ← ۲ (همان مد طبیعی) تا ۵ حرکت می باشد.

به مدّ منفصل، «مدّ جایز» نیز می گویند، چون همه علمای قرائت و تجوید، در مدّ و کشش اضافی آن، اتفاق نظر ندارند.

یادسپاری: «مدّ منفصل» تنها در «حالت وصلی» می باشد، و در حالت وقفی «مد

طبیعی» خواهد بود؛ مانند: رَبَّنَا * إِنَّكَ

مَدِّ سكون لازم و عارض

«مَدِّ سكون لازم»: بعد از حروف مدّی، حرف ساکن ثابت باشد؛
مانند: **ءَآلَانَ**، و گاهی حرف ساکن در حرف بعدی ادغام می‌شود و
به صورت حرف مشدّد خوانده می‌شود؛ مانند: **وَالضَّالِّينَ**.
«مَدِّ سكون لازم» نزد همه علمای قرائت و تجوید لازم است (۶ حرکت).
«مَدِّ سكون عارض» بعد از حروف مدّی، حرف ساکن بر اثر وقف، عارض
شود؛ مانند: **تُكْذِبَانٍ = تُكْذِبَانُ**؛ **نَسْتَعِينُ = نَسْتَعِينُ**، **تَعْلَمُونَ = تَعْلَمُونَ**.
«مَدِّ سكون عارض» جایز است و قاری مختار است تا ۶ حرکت مدّ دهد.

مدّ لین

مدّ لین به جای «حروف مدّی»، «حروف لینه»، (و-ی) آمده

باشد و سبب آن «سکون» می‌باشد؛ و بر دو قسم است:

سبب، سکون لازم مانند: «عین» در ﴿كِهْيَعَصْ - حَمَّ عَسَقْ﴾

مقدار کشش ۴ و ۶ حرکت می‌باشد ولی ۶ حرکت رجحان دارد.

سبب، سکون عارض مانند: قُرَيْشٌ ← قُرَيْشُ؛ خَوْفٌ ← خَوْفُ

مقدار کشش ۲، ۴ و ۶ حرکت می‌باشد.

یادسپاری: در هنگام وقف، مدّ لین عارضی نباید از مدّ سکون عارضی، بیشتر باشد، ولی کمتر از آن می‌تواند باشد.

اهمیت وقف و ابتدا

﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾

قال عليٌّ عليه السلام: «التَّرتيلُ حِفْظُ الوُقُوفِ وَبَيَانُ الحُرُوفِ».

یکی از مباحث «علم قرائت»، مبحث «وقف و ابتدا» است که در رابطه با موارد «وقف و ابتدا و نحوه وقف نمودن بر آخر کلمات» بحث می‌کند. و در اهمیت آن، همین بس که امیرمؤمنان حضرت علی بن ابی طالب عليه السلام آن را نیمی از ترتیل قلمداد فرمودند و علمای قرائت بر این باورند که: «هر کس موارد وقف را نشناسد قرآن خواندن را نمی‌داند». و مراجع بزرگوار تقلید، احتیاط فرمودند که در نماز «وقف به حرکت و وصل به سکون نشود» که به بررسی آنها می‌پردازیم.

وقف و ابتدا

«مطالب وقف و ابتدا»، شامل دو مبحث کلی است.

۱- انتخاب محل مناسب برای وقف و ابتدا؛

۲- نحوه وقف نمودن بر آخر کلمات و آغاز نمودن از ابتدای کلمات.

لازمه «انتخاب محل مناسب برای وقف و ابتدا» آشنایی با معانی آیات می‌باشد، و علمای قرائت، رموزی را برای محل مناسب وضع نموده‌اند که به «رموز سجاوندی» مشهور است، و در صفحه آخر برخی قرآن‌ها آمده است. در قرائت قرآن، وقف بر متحرک جایز نیست و در صورت متحرک بودن تغییراتی در آخر کلمات به وجود می‌آید که مهمترین آنها «وقف اسکان و ابدال» می‌باشد.

وقف اسکان

«اسکان»، یعنی: «ساکن کردن»؛ اگر آخر کلمه، متحرک و یا تنوین کسره و ضمه (ـِـِـِ) باشد، هنگام وقف، «ساکن» می‌گردد؛ مانند:

رَبِّ الْعَالَمِينَ ← رَبِّ الْعَالَمِينَ - الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ← الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ← إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ - ذُو حَظِّ عَظِيمٍ ← ذُو حَظِّ عَظِيمٍ
وَحُورٍ عِينٍ ← وَحُورٍ عِينٍ

یادسپاری: اگر آخر کلمه، ساکن و یا حروف مدّی باشد، تغییری در آن داده نمی‌شود؛ مانند: قُمْ فَأَنْذِرْ - فَاَنْطَلَقَا - وَادْخُلِي جَنَّتِي - وَلَا تُسْرِفُوا

وقف ابدال

«ابدال»، یعنی «تبدیل کردن»؛ اگر آخر کلمه، تایی گرد «ة، ة»

باشد، هنگام وقف تبدیل به های ساکن «ه-ه» می شود، مانند:

الصَّلَاةُ ← الصَّلَاةُ - الْبَرِيَّةُ ← الْبَرِيَّةُ - الْوَأَقَعَةُ ← الْوَأَقَعَةُ

مُطَهَّرَةٌ ← مُطَهَّرَةٌ - مَرْفُوعَةٌ ← مَرْفُوعَةٌ - وَاحِدَةٌ ← وَاحِدَةٌ

و همچنین اگر آخر کلمه تنوین فتحه (ـَ) باشد، هنگام وقف،

تنوین حذف و «تبدیل به الف مدی (ـِا)» می شود؛ مانند:

أَعْنَابًا ← أَعْنَابًا - هُدًى ← هُدًى - عِشَاءً ← عِشَاءً

وقف به حرکت و وصل به سکون

همه مراجع بزرگوار تقلید، احتیاط فرمودند که در قرائت نماز،
«وقف به حرکت و وصل به سکون» انجام نگیرد.

در هنگام وقف دو کار همزمان باید انجام گیرد.

- ۱- قطع صوت و فاصله انداختن بین دو کلمه (تا وقف تحقق پیدا کند)؛
 - ۲- ساکن کردن حرف آخر کلمه (چرا که وقف بر متحرک جایز نمی‌باشد).
- اگر وقف بشود ولی حرف آخر کلمه ساکن نگردد؛ می‌شود «وقف بر متحرک» و اگر حرف آخر کلمه ساکن شود ولی وقفی صورت نگیرد، می‌شود «وصل به سکون»، و هر دو در قرائت قرآن جایز نمی‌باشند.

خَلَطٌ وَ مَزَجٌ

در قرائت قرآن، باید دقت شود که کلمات شمردۀ و پشت سر هم خوانده شوند و بین اجزای یک کلمه، مکثی صورت نگیرد تا آن کلمه، تبدیل به دو کلمه جدا از هم گردد، مانند:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾ و ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾ به صورت «الْحَمْرُ، دِلَّهِ» و «إِيَّا، كَنَعْبُدُ» خوانده نشود که در علم قرائت به آن «خَلَطٌ وَ مَزَجٌ» می‌گویند و باعث نامفهوم شدن و یا تغییر معنای آیات می‌گردد. بعضی گفته‌اند که برای پرهیز از این کار باید روی دال «الْحَمْدُ» و کاف «إِيَّاكَ» مکث شود که صحیح نمی‌باشد.

در زبان فارسی نیز چنین است؛ مانند «به عزم توبه سحر گفتم استخاره کنم»؛ اگر وسط کلمه «توبه» مکث کنیم، خوانده می‌شود: «به عزم تو، به سحر گفتم استخاره کنم».

وقف بر آخر آیات، سنت نبوی

«وقف بر آخر آیات، سنت نبوی و سیره مسلمانان است».

ام السَّلْمه، همسر گرامی پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می کند که آن حضرت وقتی قرآن می خواند، آیه آیه قرائتش را قطع (وقف) می کرد.

«كَانَ إِذَا قَرَأَ، قَطَعَ قِرَاءَتَهُ آيَةً آيَةً»
(النشر / ۱ / ۲۲۶)

و در اذان و اقامه نیز تأکید شده که بر آخر هر قسمت، وقف و ساکن گردد.

قال الصادق عَلَيْهِ السَّلَام: «الْأَذَانُ وَالْإِقَامَةُ مَجْزُومَانِ» و فی حدیث آخر: «مَوْقُوفَانِ»^۱

یادسپاری: در رساله های عملیه مراجع بزرگوار تقلید نیز، «وقف بر آخر آیات و بر آخر هر قسمت از اذان و اقامه، جزء مستحبات نماز» شمرده شده است.

۱. وسائل الشیعه، ۴، ۶۳۹، ح ۴ و ۵.

مُحَسَّنَاتِ قِرَائَتِ

مباحثی که تا به حال مورد بررسی قرار دادیم در رابطه با تلفظ صحیح حروف ، کلمات و آیات قرآن کریم و وقف نمودن بر آخر کلمات و آیات بود که بر همه لازم است در قرائت قرآن رعایت کنند و جزء «ترتیل واجب» می باشد.

مباحث دیگر، تجویدی است که رعایت آنها، باعث روان و نیکو خواندن قرآن می شود که به آنها «صفات عارضی و مُحَسِّنَه» می گویند، و فقهای بزرگوار تقلید آن را جزء «مُحَسَّنَاتِ قِرَائَتِ» شمرده اند و جزء «ترتیل مستحب» می باشد که به بررسی آنها می پردازیم.

صفت لین

دو حرف واو و یای ساکن ماقبل مفتوح «-وُ، -یِ» دارای «صفت لین» می‌باشند که باید به صورت «نرم و آسان از مخرج‌شان تلفظ می‌شوند». در تلفظ این دو حرف، باید دقت نمود که نخست فتحه قبل از واو و یاء متمایل به ضمه و کسره نشود «یَوْم = یوم» و «خَيْر = خیر» خوانده نشوند و واو و یای ساکن نیز به آرامی و روان خوانده شوند؛ مانند:

يَوْمَ - كَوْثُرٌ - تَوَاصَوْا - سَوْفَ - تَوْبَةٌ - وَيْلٌ
غَيْرِ - عَلَيْهِمْ - شَيْطَانٌ - لَيْسَ - اَعْطَيْنَاكَ - اَرَايْتَ

صفت غنه

«فضای بینی» را «خیشوم» و «صدایی که از آن خارج می‌شود را غنه» می‌گویند. «غنه» جزء جدایی‌ناپذیر «دو حرف نون و میم»، (ساکن باشند یا متحرک) می‌باشد. اما در مواردی این دو حرف، دارای «غنه فرعی و عارضی» بوده و به میزان دو حرکت، صدا از فضای بینی خارج می‌شود؛ کامل‌ترین حالت «غنه» در صورت «مشدد» بودن این دو حرف می‌باشد؛ مانند:

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ - مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ - ثُمَّ لَتَرُونَهَا

بعضی افراد به جای «غنه فرعی نون و میم»، صدای کوتاه نون و میم و یا حرف قبل از آنها را می‌کشند و به این صورت می‌خوانند: «صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» که صحیح نمی‌باشد.

ادغام

ادغام «تلفظ دو حرف ساکن و متحرک است از یک مخرج، بطوری که در تلفظ آنها فاصله نیفتد»؛ و بر دو قسم است:

۱ - ادغام صغیر: «حرف مدغم، ساکن و مدغم فیه متحرک»؛ مانند:

تُمْر ← تُمُّر؛ قُلْ لَهُمْ ← قُلُّهُمْ

۲ - ادغام کبیر: «حرف مدغم متحرک، نخست ساکن شده (تا زمینه ادغام به وجود آید) و سپس ادغام می‌شود»؛ مانند:

مَدَد ← مَدَّد ← مَدَّ؛ قَالَ لَهُمْ ← قَالْ لَهُمْ ← قَالَّهُمْ

حکم شرعی ادغام: ادغام در یک کلمه واجب است ولی در دو کلمه بر ادغام صغیر تأکید شده ولی ادغام کبیر جایز نمی‌باشد. (عروة الوثقی، فی احکام القراءة، مسأله ۴۹ و ۵۲)

احکام نون ساکن و تنوین

رعایت «احکام نون ساکن و تنوین»، جزء «مُحَسَّنَاتِ قِرَاءَتِ» می‌باشد، ولی بعضی از مراجع بزرگوار تقلید، «ادغام در یرملون» را، «احتیاطاً لازم» دانسته‌اند. «نون ساکن و تنوین» در مجاورت «بیست و هشت حرف»، «چهار حکم» دارد:

۱ - اظهار: «نُ + حروف حلقی»: (أ، هـ، ع، ح، غ، خ)؛

۲ - ادغام: «نُ + یرملون»: ادغام
 با غنه: «ی م و ن»
 بدون غنه: «ل، ر»

۳ - قلب به میم: «نُ + ب = م اخفای با غنه»؛

۴ - اخفاء: «نُ + مابقی حروف = اخفای با غنه».

۱- احكام نون ساكن و تنوين «اظهار»

«نون ساكن و تنوين» نزد «حروف حلقى»، «اظهار» می شود؛

«نون ساكن» به صورت آشكار و بدون تغيير خوانده می شود؛ مانند:

أ ← يَنَاوُنَ - مِنْ أَحَدٍ - أَسْبَاطًا أُمَّمًا - مُعْتَدٍ أَثِيمٍ - رَسُولٌ أَمِينٌ

ه ← مِنْهُمْ - إِنْ هُوَ - فَرِيقًا هَدَى - لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ - أَفْسِحْرُهُ هَذَا

ع ← أَنْعَمْتَ - مِنْ عِلْمٍ - قُرْءَانًا عَجَبًا - فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ - سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ح ← وَانْحَرُ - مِنْ حَكِيمٍ - عَلِيمًا حَكِيمًا - أَوَابٍ حَفِيظٍ - حَمِيمٌ حَمِيمًا

غ ← فَسَيُنْغِضُونَ - يَكُنْ غَنِيًّا - لِأَجْرًا غَيْرٍ - مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ - مَلَائِكَةٌ غَلَاظٌ

خ ← وَالْمُنْخَنِقَةُ - مِنْ خَيْرٍ - عَلِيمًا خَبِيرًا - نَخْلٍ خَاوِيَةٍ - قَوْمٌ خَصِمُونَ

۲- احکام نون ساکن و تنوین «ادغام»

«نون ساکن و تنوین» در «یرملون»، «ادغام» می‌شود، و بر دو قسم است:

ر	مَنْ رَحِمَ - بَشْرًا رَسُولًا - فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ - غَفُورًا رَحِيمًا	بدون غنة
ل	مِنْ لَدُنْ - رِزْقًا لَكُمْ - دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوكُمْ - فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ	
ن	إِنْ نَشَأْ - وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ - إِلَى شَيْءٍ نَكْرٍ - حِطَّةً نَغْفِرُ	با غنة
م	مَنْ مَعِيَ - فَتَحًا مُبِينًا - بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ - قَوْمًا مَنكُرُونَ	
و	مِنْ وَلِيٍّ - أُمَّةً وَاحِدَةً - بِعَذَابٍ وَاقِعٍ - أذُنًا وَعَايَةً	
ي	مَنْ يَقُولُ - سَاقِطًا يَقُولُوا - لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ - وَجُوهًا يَوْمَئِذٍ	

۳- احکام نون ساکن و تنوین «قلب به میم»

«نون ساکن و تنوین» نزد حرف «باء»، «قلب به میم» و به صورت «میم اخفایی و با غنه^{س۶}» خوانده می‌شود.

«اخفا»: «حالتی است بین اظهار و ادغام همراه با غنه^{س۶}».

هنگام اخفای میم، لبها به مخرج باء، نزدیک و صدای «غنه^{س۶}» میم به اندازه دو حرکت «از فضای بینی خارج می‌شود و سپس حرف باء ادا می‌گردد؛ مانند:

أَنْبِيَاءَ - مِنْ بَعْدِ - بَصِيرٍ بِمَا - سَمِعًا بَصِيرًا - جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ

أَنْبِيَهُمْ - مَنْ بَعَثْنَا - عَلِيمٍ بِذَاتِ - جَزَاءٍ بِمَا - كِرَامٍ بِرَرَةٍ

۴- احکام نون ساکن و تنوین «اخفاء»

«نون ساکن و تنوین»، نزد «پانزده حرف» (باقیمانده)، «اخفاء» می‌شود و «با غنه» همراه است.

هنگام اخفاء، تنها قسمت خیشومی نون، به اندازه دو حرکت در فضای بینی نگه داشته می‌شود و همزمان، زبان به طرف حرف بعدی نزدیک شده و سپس حرف بعدی تلفظ می‌گردد؛ مانند:

إِنْ تَحْمِلْ - خَيْرٌ ثَوَابًا - إِنْ جَعَلَ - رُكْنٌ شَدِيدٍ - مِنْ ذَهَبٍ
نَفْسًا زَكِيَّةً - أَنْ سَيَكُونُ - كَأَسَا دِهَاقًا - وَلَمَنْ صَبَرَ

احکام میم ساکن

۱- «میم ساکن» در حرف «میم متحرک» بعد از خود «ادغام باغنه» می شود، صدای میم مشدد به اندازه دو حرکت در فضای بینی امتداد می یابد؛ مانند:

كَمِنْ = كَمِنْ؛ هُمْ مِنْهَا = هُمْ مِنْهَا؛ لَهُمْ مَا = لَهُمْ مَا

۲- «میم ساکن» در مجاورت حرف «باء»، «اخفاء باغنه» می شود؛ مانند:

رَبَّهُمْ بِهِمْ - أَنْتُمْ بِهِ - عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ - بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ

۳- «میم ساکن» در مجاورت «بیست و شش حرف» باقیمانده، «اظهار» می گردد؛ مانند:

إِنَّهُمْ كَانُوا - تُمْسُونَ - لَكُمْ فِيهَا - أَمْوَالَهُمْ

استعاذه (پناه بردن به خداوند)

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾

«هنگامی که قرآن می‌خوانید از شر شیطان رانده شده به خدا پناه بر»
«استعاذه» به معنای: «پناه بردن» است و مراد از آن گفتن جمله «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» می‌باشد.

فقه‌های بزرگوار، گفتن «استعاذه» را (پیش از قرائت قرآن و قبل از سوره حمد در رکعت اول) «مستحب می‌دانند» و در رابطه با نحوه گفتن «استعاذه» جملات «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» نقل نموده‌اند (عروة الوثقی، فی مستحبات القراءة)

ذکرهای تلاوت

در روایات سفارش شده که بعد از خواندن بعضی از سوره‌ها، اذکاری متناسب با مضمون همان سوره گفته شود؛ از همین رو مراجع بزرگوار تقلید، گفتن آنها را جزء «مستحبات قرائت» در نماز شمرده‌اند، از جمله

«بعد از سوره حمد»، گفتن «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و «بعد از سوره

توحید» گفتن «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي». (عروة الوثقی، مستحبات قرائت)

برای اطلاع بیشتر، به کتاب «آداب و احکام تلاوت قرآن کریم به

ضمیمه ذکرهای تلاوت» نوشته مؤلف، مراجعه فرمائید.

«حق نماز» بر تو این است که بدانی: «با آن به مهمانی خداوند می‌روی و در پیشگاه او می‌ایستی، و چون این را دانستی، سزاوار است که به نماز بایستی مانند بنده‌ای خوار، رغبت‌کننده، ترسان، امیدوار، بی‌چیز، زاری‌کننده و بزرگ‌دارنده کردار؛ کسی که با آرامش و وقار و زیبایی در گفتار و تقاضای آزادی از آتش نسبت به لغزش‌ها و گناهانی که باعث نابودی تو می‌شود؛ (نمازت را به جان و دل بپا داری و حدود و حقوق آن را رعایت نمایی و به یاد داشته باشی که) هیچ نیرویی جزء نیروی خداوند وجود ندارد».

نکته پایانی

با توجه به این که «قرائت حمد و سوره و سایر اجزای نماز باید به صورت عربی صحیح ادا شوند»؛ و انتظاری که جامعه از طلاب علوم دینی (در بیان احکام) دارند؛ به عنوان یک طلبه، شرعاً وظیفه خود دانستم تا در رابطه با «قرائت صحیح قرآن و نماز» مطالبی را بنویسم. برای سهولت امر، مباحثی که علمای تجوید برای «ترتیل قرآن کریم» بیان فرموده‌اند، طبق فتوای مراجع بزرگوار تقلید به دو قسم «ترتیل واجب و مستحب» دسته‌بندی نمودم، ان شاء الله مورد استفاده همگان قرار گیرد؛ لازم به توضیح است که رعایت همه قواعد تجوید، نزد علمای قرائت لازم می‌باشد، اما از نظر حکم شرعی بعضی واجب و بعضی دیگر مستحب است.

شکرانه

خداوند را شاکرم که به این بنده ناچیز، توفیق داد تا در زمرهٔ مبلغین احکام دین مُبین اسلام قرار گیرم و چند صفحه در رابطه با آموزش صحیح نماز به یادگار بگذارم، امیدوارم به فضل و کرمش بپذیرد و ذخیرهٔ آخرتم قرار دهد.

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾

از همهٔ عزیزانی که از این نوشته، استفاده می‌کنند، التماس دعا دارم و اگر نقیصه‌ای دیدند، تذکر دهند تا در چاپ‌های بعدی اصلاح گردد.

برای استفاده از این نوشته، به سایت www.habibitajvid.ir و یا به سایت اندیشوران حوزه علمیه قم - قسمت علوم قرآنی - علی حبیبی احمدآبادی مراجعه فرمایید.

۲۱ رمضان المبارک ۱۴۳۶ - مصادف با سالروز شهادت اولین شهید محراب، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام (۱۷ تیرماه ۱۳۹۴)

قم - شیخ علی حبیبی - همراه ۰۹۱۲۲۵۳۲۹۶۹